



دوفصلنامه پژوهش در ادبیات کودک و نوجوان

سال ۲، شماره ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

- اساسنامهٔ صلح یونسکو و بازتاب آن در ادبیات داستانی کودکان ایران
- الگویابی جنسیتی در مجموعه داستان‌های فلسفی‌ها، کلاس کوچولوها، شهر آدم کوچولوها، شغل آیندهٔ من
- ایدئولوژی‌های نهفته در متن انیمیشن «کارخانهٔ هیولاها»
- بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های اجتماعی در آثار شاعران کودک و نوجوان ایرانی و انگلیسی
- بررسی تطبیقی عناصر داستان در داستان‌های کودک برگزیده «احمد اکبر پور» و «مهرداد الماقوس»
- بررسی سبک زندگی ایرانی در شش رمان نوجوان
- بررسی مقایسه‌ای کنش‌های گفتاری کودکان و بزرگسالان در عبادت غریبهٔ کوچک» براساس نظریهٔ سرل
- برهنگش تصویر و متن در کتاب تصویری «هفت خوان هفت رزم» براساس نظریهٔ متن-تصویر پری لودلمن
- پرسش‌ها و ارتباط آن با مفهوم پدیدارشناسی در داستان «لالایی برای دختر مرده» نوشتهٔ حمیدرضا شاه‌آبادی
- تحلیل شخصیت در داستان کودکان «الفندیل الصغیر»
- عثمان کنگانی براساس الگوی کنش‌های گفتاری جان سرل
- تحلیل و تبیین ظرفیت افسانهٔ پوشت فریان در قالب فیلم‌نامه داستانی به‌منظور ارائهٔ به جامعهٔ کودک و نوجوان
- روایت رئالیستی در اتوبیوگرافی-رمان «شما که غریبه نیستید»
- گونه‌شناسی نوشتارهای ادبی نشریات کودکان و نوجوانان (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)
- نقد و تحلیل رمان نوجوان «دروازهٔ مردگان» از منظر گوتیک

بررسی مقایسه‌ای کنش‌های گفتاری کودکان و بزرگسالان در «باشو غریبه کوچک» براساس نظریه سرل

سیدعلی روحانی^(۱) و سمیه قبادی^۲

۱. دانشیار گروه آموزشی سینما، دانشکده سینما و تئاتر، دانشگاه هنر، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد سینما، دانشکده هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران

چکیده

کنش گفتاری یکی از نظریه‌های مهم فلسفه زبان به حساب می‌آید، بر مبنای این نظریه کنش‌های گفتاری در پاره گفتارها مورد تحلیل قرار می‌گیرند و ناگفته‌های یک متن را آشکار می‌سازند. در این پژوهش برآنیم تا گفتارهای فیلم باشو غریبه کوچک اثر بهرام بیضایی را براساس تئوری سرل بررسی کنیم. فیلم باشو به‌عنوان فیلم کودک و نوجوان با حضور شخصیت اصلی کودک کنش‌های گفتاری مهمی را دربردارد و زبان به‌عنوان یک ابزار فرهنگی مهم از دغدغه‌های اساسی این فیلم است. درواقع هدف از انجام این پژوهش فهم ویژگی‌های دراماتیک اثر و پی بردن به روابط اجتماعی شخصیت‌ها از طریق استخراج کنش‌های گفتاری هر پاره گفتار است. با بررسی که براساس دسته‌بندی کنش‌های گفتاری سرل صورت گرفت دریافتیم که شخصیت‌های فیلم براساس موقعیت و جنسیت کنش گفتاری متفاوتی دارند و با توجه به نتایج به‌دست آمده میزان کنش‌های گفتاری زنان از نوع ترغیبی و مردان بیشتر کنش گفتاری عاطفی از نوع تمسخر، عصبانیت و ... را در گفتار به‌کار می‌برند و در قیاس کودکان از هر دو نوع کنش عاطفی و ترغیبی بهره جستند؛ با وجود این که کودکان برخلاف بزرگسالان به واسطه ویژگی‌های کودکانه کلامشان عاری از خشونت است و تعامل بهتری با یک دیگری فرهنگی برقرار می‌کنند، لازم به ذکر است هیچ‌کدام از شخصیت‌ها درگفتارشان کنش‌های تعهدی و اعلامی را به‌کار نبرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: کنش گفتاری، باشو غریبه کوچک، سرل، کودکان.

مقدمه

بی‌شک زبان یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباطی بشر از دیرباز بوده و نه تنها ابزار ارتباطی بلکه حامل اندیشه و تفکر است، درواقع زبان به افراد هویت می‌بخشد و به واسطه زبان است که مهم‌ترین مفاهیم پیچیده افکار آدمی عرضه می‌شود و در شکل‌گیری اندیشه ما به موضوعات نقش مهمی دارد، از این رو زبان یکی از ابزارهای نقد هم به حساب می‌آید و در حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، تاریخ و ... زبان به‌عنوان عنصر مهمی مورد کاوش قرار گرفته است. در نظام قراردادهای اجتماعی زبان نقش مهمی را ایفا می‌کند، زبان در قالب خود برای برقراری ارتباط ابزار مناسبی به‌شمار می‌آید و می‌تواند ارائه دهنده محصولی باشد که برخاسته از روابط اجتماعی است، زبان به بشر اجازه می‌دهد تا با بازگو کردن گفتار شیوه‌های رفتاری را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۸۲) از این رو زبان به‌عنوان یک نهاد اجتماعی همواره برای زبان‌شناسان و

فیلسوفان این حوزه حائز اهمیت است در واقع زبان‌شناس می‌کوشد تا پاسخی برای پرسش‌هایی نظیر زبان چیست؟ مکانیزم و نحوه عمل و کاربرد آن چگونه است؟ زبان انسان چه تفاوت‌هایی با نظام ارتباطی دیگر دارد؟ و ... مانند این‌ها بیاید. (باقری، ۱۳۷۸: ۱۹) در پی مطالعات در حوزه آواشناسی و علم نحو برخی زبان‌شناسان معنی‌شناسی را مورد کاوش قرار می‌دهند، در واقع می‌توان معنی‌شناسی را مطالعه انتقال معنی از طریق زبان دانست. (صفوی، ۱۳۹۹: ۳۵-۳۴) به این ترتیب در زیرشاخه‌ای از معنی‌شناسی کاربردی به مطالعه کاربرد زبان در اجتماع و معنی پاره‌گفتارها می‌پردازند. سینما به‌عنوان یک نظام زبانی، معنای خاص خود را دارد که متغیرهای آن با گفتارهای خاصی تعیین می‌شود. زبان در سینمای کودک و نوجوان با سینمای بزرگسال تفاوت‌هایی دارد. این پژوهش بر آن است تا در حوزه معناشناسی کاربردی براساس تئوری سرل با توجه به انواع کنش‌های گفتاری موجود در پاره‌گفتارها به گفتمان حاکم در متن بپردازد. در واقع هم سینمای کودک و نوجوان مهم است، هم کیفیت نمود بخش اجتماعی در این فیلم‌ها به همین دلیل به‌نظر می‌رسد یکی از راه‌های انتقال هویت اجتماعی از طریق گفتار موجود در فیلم‌ها صورت می‌گیرد. سینمای کودک و نوجوان شامل فیلم‌هایی برای کودکان یا درباره کودکان و یا تلفیقی از هر دو نوع است که متأسفانه با وجود اهمیت به‌سزایی که دارد، کمتر مورد توجه فیلم‌سازان ایرانی قرار گرفته است. سینمای کودک و نوجوان بیشتر از زمان جنگ تحمیلی در ایران شکل گرفته است. فیلم *باشو غریبه کوچک* ساخته بهرام بیضایی است که سال ۱۳۶۴ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تولید شده و از فیلم‌های مطرح سینمای کودک و نوجوان به‌حساب می‌آید و بسیار مورد توجه مخاطبان و منتقدین سینما قرار گرفته است. با وجود نشانه‌های تصویری و نمادین در فیلم *باشو غریبه کوچک* گفتارهای قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که بیانگر رفتارها و روابط اجتماعی است. *باشو غریبه کوچک* حکایت پسر بچه‌ای سیاه چرده‌ای جنوبی است که در بحبوه جنگ تحمیلی داخل کامیونی می‌شود و سر از شمال کشور درمی‌آورد. تفاوت‌های فرهنگی میان *باشو* و اهالی روستا و شخصیت اصلی زن (نایی) در فیلم از بارزترین نکات فیلم است که کنش‌های گفتاری نقش مهمی در توصیف هویت و روابط اجتماعی شخصیت‌های این اثر دارد.

طرح مسئله

کنش گفتاری یکی از مهم‌ترین مباحث کاربردشناسی زبان در نقد و تحلیل روابط اجتماعی است، چراکه با تحلیل گفتار یک اثر می‌توان به مطالعه وضعیت اجتماعی آن اثر پرداخت. در واقع شیوه گفتار بیانگر حالات روحی، تفکر، عقاید و روابط اجتماعی ... اشخاص است با توجه به اینکه یکی از ابزارهای خلق شخصیت‌پردازی از طریق گفت‌وگو انجام می‌شود و بخش مهمی از بعد درونی و روانی شخصیت‌ها از طریق گفتار آن‌ها در اثر نمود پیدا می‌کند، لذا با بررسی پاره‌گفتارهای یک اثر بخش عمده‌ای از ناگفته‌های یک متن کشف می‌شود و زبان به‌عنوان عامل مهمی در انتقال مفاهیم نشان از وضعیت اجتماعی و جایگاه افراد در جامعه دارد، در واقع در این پژوهش با تحلیل کنش‌های گفتاری در فیلم *باشو غریبه کوچک* جایگاه کودکان و میزان منفعل و پیرو بودن و روابط اجتماعی شخصیت‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

پیشینه پژوهش

به‌نظر می‌رسد اهمیت و پرداختن به فلسفه زبانی به اوایل قرن بیستم و فلسفه تحلیلی برمی‌گردد؛ یکی از اندیشمندانی که بیش از تأثیر زیادی بر فلسفه تحلیلی و فیلسوفانی از جمله برتراند راسل گذاشت، گوتلوب فرگه فیلسوف آلمانی تبار بود. (مگی، ۱۳۸۸: ۱۹۴) که بعدها راسل تحت تأثیر اندیشه او منطق نوین را برای تجزیه و تحلیل گزاره‌ها در زبان محاوره عادی به‌کار گرفت. (همان: ۱۹۶) و بعدها جریان فلسفه تحلیلی در اواسط قرن بیستم پس از انتشار کتاب تحقیقات فلسفی ویتگنشتاین در ۱۹۵۳ دچار تغییر و تحولاتی شگرف شد. تلقی جدید ویتگنشتاین موجب شد که بحث افعال زبانی یا افعال گفتاری به‌عنوان یکی از مباحث مهم فلسفه زبان درآید. نظریه افعال گفتاری نظریه‌ای کلی است که هدف اصلی آن تحلیل و بررسی مسائل فلسفه زبان به‌ویژه افعال زبانی است. (سرل، ۱۳۸۵: ۱۱) اگرچه بحث فلسفه زبانی و کنش‌های گفتاری پیش‌تر مطرح شده بود، اما این آستین بود که برای اولین بار به تبیین نظام‌مند از کاربرد

زبان پرداخت. او میان «معنای» کلمات ادا شده و «افعال گفتاری» انجام شده در ادای کلمات توسط متکلم تمایز قائل شد. (عباسیان چالستری، ۱۳۸۴: ۱۷۱) در واقع طراح اصلی این نظریه «جان لانگ شاو آستین» استاد فلسفه اخلاق دانشگاه آکسفورد است. او نظریه یاد شده را در دهه‌های ۱۹۳۰ ارائه کرد که بعدها آن را در مجموعه سخنرانی‌هایی که در دانشگاه هاروارد با نام «ویلیام جیمز» برگزار می‌شد، در سال ۱۹۵۵ گسترش داد. (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۴-۸۵) این نظریه زبان را در بافت کنش انسانی قرار می‌دهد و درباره کارکردها و هدف‌های کنش انسانی که از طریق جملات محقق می‌شوند، تحقیق می‌کند و درصدد آن است تا تحلیلی جامع از کاربرد زبان و شیوه برقراری ارتباط ارائه دهد. (نجاریان خلیل آباد، ۱۳۹۵: ۲۹) در ارتباط با نظریه کنش گفتار کتاب‌ها و مقالات متعددی نگاشته شده است که هیچ‌یک به موضوع بررسی کنش‌های گفتاری در فیلم *باشو غریبه کوچک* نمی‌پردازد. نمونه‌هایی از این مقاله‌ها در ارتباط با کنش‌های گفتاری با عنوان زیر به چاپ رسیده است. «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، ۱۳۸۱) که در این مقاله نگارنده به تبیین نظریه کنش گفتاری از دیدگاه آستین و اقسام کنش گفتار و شرایط مطلوب کنش گفتاری و تحلیل گزاره‌های دینی پرداخته است؛ «نظریه افعال گفتاری و برخی پیامدهای مهم آن» (عباسیان چالستری، ۱۳۸۴) در این مقاله به اهمیت افعال گفتاری و پیامدهای آن و استدلال‌هایی در این رابطه پرداخته شده است. «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش گفتاری» (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰) در این پژوهش با توجه به آرای سرل گفتمان جنگ در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. «فلسفه تحلیلی و جایگاه زبان» (سارلی، ۱۳۹۵) در این بررسی پیشینه فلسفه تحلیلی و پیشگامان فلسفه زبان و مباحث مربوط به کاربردشناسی زبان مورد مطالعه قرار گرفته است. «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه» (جلالی و صادقی، ۹۵) در این پژوهش با تکیه بر کنش‌های گفتاری زمینه‌های اجتماعی و تاریخی متن گرشاسب‌نامه مورد کاوش و تحلیل قرار گرفته است که حکایت از نابرابری‌های جنسیتی و سلطه مردانه در این اثر دارد. در مورد آثار بهرام بیضایی پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است که در آن کنش‌های گفتاری در آثار سینمایی مورد بررسی قرار نگرفته است، اما به لحاظ نزدیک بودن به محتوای پژوهش حاضر برخی از آن معرفی می‌شود. «کنش نمایشی در دیالوگ با بررسی تطبیقی در آثار بهرام بیضایی و علیرضا نادری» (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۵) که در آن کنش‌های نمایشی و دراماتیک دو نمایش‌نامه‌نویس براساس نظریه افعال گفتاری مورد بررسی قرار گرفته است. «بررسی محتوایی و موضوعی فیلم‌نامه‌های بهرام بیضایی» (دهداری‌راد، ۱۳۹۴) در این پژوهش محقق عناصر ساختار فیلم‌نامه‌های بیضایی را مورد کاوش قرار داده است. «نقش اسطوره و جنسیت (نقش زن) در سینمای بهرام بیضایی» (شامیان ساروکلایی و افشار، ۱۳۹۲) در این مقاله، با تأکید بر نقش زن، ساختار اسطوره‌ای فیلم‌های بیضایی براساس الگوی سفر قهرمان جوزف کمبل مورد بررسی قرار گرفته است.

سوال‌های پژوهش

- شخصیت‌های موجود در فیلم *باشو غریبه کوچک* چگونه طبقه‌بندی می‌شوند؟
- شخصیت‌ها چه نوع کنش گفتاری دارند؟
- چه نوع ارتباطی میان نظام‌های زبانی کودکان در فیلم *باشو غریبه کوچک* وجود دارد؟
- آیا میزان کنش‌های گفتاری در فیلم از نوع مستقیم است یا غیرمستقیم؟

هدف تحقیق

باشو غریبه کوچک تأثیرگذارترین اثر بهرام بیضایی در ارتباط با تماشاگر است. این تأثیرگذاری و حسن ارتباط از چند عامل نتیجه می‌شود که می‌توان از طرح مستقیم و بلافاصله یک واقعیت اجتماعی، رجعت به منبع اصلی رخداد و تفسیری واقع‌بینانه از جنگ نام برد. (عبدی، ۱۳۹۸: ۱۸۷) بررسی کنش‌های گفتاری به لحاظ اهمیت نثر در آثار بیضایی ناگفته‌های متن را آشکار می‌سازد. هدف

از انجام این پژوهش فهم ویژگی‌های دراماتیک از منظر کنش‌های گفتاری و تأثیر آن در شخصیت‌پردازی فیلم *باشو غریبه کوچک* است، همچنین براساس شیوه‌گفتار شخصیت‌ها روابط و شرایط اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد و انواع سطوح معنا دار کنش‌های گفتاری در این فیلم تقسیم‌بندی می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش سعی شده است، با استفاده از تئوری کنش‌های گفتاری از منظر آرای سرل، گفتار شخصیت‌های فیلم *باشو غریبه کوچک* با استناد به مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده فیلم به روش توصیفی و تحلیلی تشریح و بررسی شود.

چارچوب نظری

اصطلاح کنش گفتاری از اصطلاحات زبان‌شناسی و فلسفه زبان است. کنش گفتاری به عملی گفته می‌شود که در نتیجه یک گفته عمدی رخ می‌دهد، به قصد اینکه جریان یا کنشی به راه بیفتد. (کازمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۳) هر کنش گفتار عملکرد چندین کنش در آن واحد است که از طریق جنبه‌های مختلف گوینده از هم تمایز داده می‌شوند. آستین این کنش‌ها را به سه دسته کنش بیانی، کنش منظوری و کنش تأثیری تقسیم نمود. (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۷) در سطح اول گوینده واژه‌هایی را اظهار می‌کند که معنای خاصی دارند. در سطح دوم گوینده واژه‌ها را برای افاده خاصی به کار می‌گیرد و در سطح سوم گوینده با اظهار عبارت‌های زبانی در مخاطب خود عکس‌العمل و تأثیری پدید می‌آورد. (سرل، ۱۳۸۷: ۲۳) محور تحلیل در نظریه افعال گفتاری فعل مضمون در سخن است نه فعل ناشی از سخن. (همان) نظریه کنش گفتاری سرل در ادامه نظریه آستین است و بر این مبناست که هر گفتاری یک کنش به‌شمار می‌آید که ابتدا بر نظام تکواژها و کلمات موجود در جمله تنظیم می‌شود. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۸۵) مزیتی که نظریه سرل بر نظریه کنش گفتار آستین دارد یکی در پیشبرد این نظریه و دیگری در دست‌بندی صریحی است که از افعال جهت تعیین کنش‌های گفتار آن‌ها می‌دهد. (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰: ۸۹) از منظر سرل پنج طبقه فعل مضمون در سخن وجود دارد که این کنش‌ها عبارتند از: تعهدی، عاطفی، ترغیبی، اعلامی و اظهاری است. (صرفی، قطبی و داوودی مقدم، ۱۳۹۶: ۱۱۱) در ادامه به توضیح و تبیین این کنش‌ها می‌پردازیم.

۱. کنش تعهدی: این نوع کنش‌ها کنش‌های منظوری‌ای هستند که توان منظوریشان این است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۱) در واقع گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و اعمالی نظیر این‌ها متعهد می‌شود که کاری را انجام بدهد. هدف این کنش تطبیق دادن جهان با محتوای گزاره‌ای عمل آتی شنونده می‌شود. افعال کنش تعهدی: بیان موافقت کردن، تعهد دادن، تقدیم کردن، داوطلب شدن، ضمانت کردن، قسم خوردن، قول دادن، متعهد شدن. (کازمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۳)
۲. کنش عاطفی: گوینده در این کنش گفتاری احساسات خود را بیان می‌کند. این کنش گفتار با تبریک، درود و تحسین، قدردانی و حتی ناسزا همراه است. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۲) در این نوع کنش گفتاری با بیان یک گزاره با فرض حقیقی بودن آن گزاره در شخص احساسی به وجود می‌آید، مثلاً یا خوشحال می‌شود یا افسوس می‌خورد. (کازمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۴) چند نمونه از افعالی که در این طبقه از کنش‌های گفتار جای می‌گیرند عبارتند از: سپاس‌گزاری کردن، تبریک گفتن، عذرخواهی کردن، هجو کردن، تمجید کردن و اظهار تاسف کردن. (فضالی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۱)
۳. کنش ترغیبی: هدف غیربیانی این کنش ترغیب مخاطب برای کاری و قرار دادن شنونده در حالت تکلیف و اجبار برای انجام عملی است، یعنی گوینده می‌خواهد شنونده کاری انجام دهد. (کازمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۰) این کنش گفتار معمولاً با اجبار، دعوت، تمنا یا خواهش همراه است. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۰) و نمونه بارز کنش ترغیبی را می‌توان در پرسش‌ها یا درخواست‌ها مشاهده کرد. (کازمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۳۱) افعال کنش ترغیبی شامل افعالی چون خواستن، دستور

۴. دادن، توصیه کردن، هشدار دادن، اطمینان دادن، روحیه دادن و تشویق کردن هستند. (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۰).
کنش اعلامی: این کنش با اعلام و اجرا همراه است و فاصله زمانی میان گفتار و عمل وجود ندارد (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۳) و گوینده به واسطه اعلام‌هایش بر جهان تغییرات واقعی‌ای ایجاد می‌نماید. این کنش هم‌زمان دارای دو وجه انطباقی زبان و جهان است. (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵) سرل برای این نوع کنش هیچ حالت روانی، شناسایی نمی‌کند. افعالی که حاوی کنش اعلامی هستند عبارتند از: اعلام کردن، محکوم کردن و منصوب کردن.
۵. کنش اظهاری: هدف غیربیانی این کنش توصیف حالتی یا حادثه‌ای است. گوینده عقیده خود را درباره صحت و سقم مطلبی اظهار می‌دارد. (کاظمی و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۹) و وقایع و پدیده‌های جهان بیرون را توصیف می‌کند و می‌گوید که وقایع و امور در جهان بیرون چگونه هستند. (فضائلی و نگارش، ۱۳۹۰: ۹۰) و با افعال تأییدی، تدلیلی، اثباتی، تعریفی و توصیفی، تفسیری و تشریحی بیان می‌شود. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۸۹) از ابزارهای تسهیل شناخت کنش اظهاری می‌توان اثبات می‌کنم که، من اظهار می‌کنم که، من تایید می‌کنم که، من تصحیح می‌کنم که، من می‌گویم که، من نفی می‌کنم که و را برشمرد.

نگاهی به فیلم «باشو غریبه کوچک»

بهرام بیضایی بی‌شک یکی از تأثیرگذارترین سینماگران مؤلف ایرانی است که فیلم‌هایش در عین وفادار بودن به سبک و هویت شخصی از تنوع چشم‌گیری برخوردار است. گرچه آثار وی غالباً شامل موضوعات ملی، اجتماعی، تاریخی و ... با به‌کارگیری از اسطوره و اقتباس از متون کهن است ولی به موضوعات اجتماعی و ملی نگاه ویژه‌ای داشته است؛ از این حیث سینمای وی از جایگاه و اهمیت بالایی برخوردار است، چراکه سینمای وی با نگاه انتقادی که دارد در تلاش است با شگردهای سبکی و محتوایی خاص خود این نگرش‌ها را مطرح سازد، بخش مهمی از این مفاهیم ذهنی از طریق گفتار شخصیت‌ها منتقل می‌شود و هویت‌های اجتماعی شخصیت‌ها و روابط بین آن‌ها به واسطه واکاو زبان نمود پیدا می‌کند و چگونگی کار فیلم‌ساز با عنصر زبان به‌عنوان یک واسطه بیانی مستقل (حتی در-به-ظاهر-غیرقابل‌فهم‌ترین شکل آن) حیرتانگیز است. این مقدار احترام به «زبان» و کار کردن با آن به‌عنوان یک ابزار فرهنگی نه فقط احترام‌انگیز که ستایش‌انگیز است. (عبدی، ۱۳۹۸: ۱۹۳) درواقع نوع نثر بیضایی تشخیص و ویژگی خاصی دارد، نثری سلیس و روان که در آن به‌عمد سعی می‌شود از کلمات بیگانه استفاده نشود و کاملاً فارسی بماند. (همان: ۱۳۸) علاوه بر این گفتگوهای شخصیت‌های آثار بیضایی بیشتر دارای معانی ضمنی هستند تا معنای صریح؛ این معنای ضمنی همان «انجام کار» یا کنشی است که قبلاً از آن سخن گفته‌ایم «از آنجا که دیالوگ دراماتیک کنش کلامی است، هیچ‌یک از گفته‌های دراماتیک به صرف محتوای آشکار گزاره‌ای خود خلاصه نمی‌شوند، بلکه هر یک از آن‌ها خود در حکم اجرای کنش نیز هستند. (مسلمی زاده، ۱۳۹۵: ۱۹) و در فیلم باشو غریبه کوچک که اساساً به بحث تقابل زبان و فرهنگ پرداخته شده است، نوع گفتار جنسیت شخصیت‌ها متفاوت و حائز اهمیت است، لذا نوع کنش گفتار پاره گفتارها براساس فعل کنشی آن‌ها تعیین می‌شود و از آنجا که فعل کنشی عموماً به‌طور صریح و آشکار بیان نمی‌شود، براساس بافت زبانی و شرایط و موقعیت گفت‌وگوها افعال کنش‌های گفتاری را بررسی کرده‌ایم. فیلم باشو درواقع گفتمان غالب تقابل فرهنگی دو نژاد با دو فرهنگ و زبان جدا از هم را نشان می‌دهد و تأثیرات مخرب جنگ را به تصویر می‌کشد، جنگی که در آن کودکان نیز قربانی آن بوده، اما در این فیلم جز سکانس‌های ابتدایی فیلم که به انفجارها و تأثیرات جنگ می‌پردازد، وقتی باشو وارد منطقه شمال کشور می‌شود، دیگر خبری از جنگ نیست، اما با چالش مهمی روبه‌رو می‌شود، آن هم تفاوت بین دو فرهنگ متفاوت است که باشو نماینده مردم جنوب و نابی و هم‌روستایی‌هایش نماینده مردم شمال کشور هستند، طبیعی است

وقتی اهالی روستا و نابی برای بار اول باشو را می‌بینند، نسبت به این غریبه که هم از نظر ظاهری هم زبانی با آن‌ها متفاوت است، او را نپذیرند؛ در واقع نداشتن زبان مشترک بین آن‌ها مسئله اساسی است که نابی (شخصیت اصلی زن) تلاش می‌کند زبان مشترکی را بیابد، اما در نهایت باشو در درگیری با کودکان با برداشتن کتاب فارسی به‌عنوان زبان رسمی و رایج که زبان‌ها و گویش‌های متفاوتی را در سیطره خود دارد، با کودکان هم‌سن خود ارتباط برقرار می‌کند و کودکان برخلاف بزرگترها به واسطه کودکی‌شان که کمتر زیر سلطه الگوواره‌های من و دیگری و تعصبات قومی و نژادی هستند با باشو ارتباط بهتری برقرار می‌کنند. باشو در واقع به‌جای سنگ کتاب را برمی‌دارد و این انتخاب هوشمندانه او نشان از توجه فیلم‌ساز به اهمیت نقش کودکان و امید به نسلی که با تفکر و اندیشه و انتخاب‌های بهتر آینده‌بهتری را رقم می‌زنند، دارد.

بررسی کنش‌های گفتاری کودکان در فیلم «باشو غریبه کوچک»

باشو: «ایران سرزمین ماست»، «ما از یک آب و خاک هستیم»، «ما فرزندان ایران هستیم»، در اینجا گوینده (باشو) محتوای گزاره‌ای کتاب درسی را بیان می‌کند؛ در این گفتار معنای ظاهری فعل کنش اظهاری را دربرمی‌گیرد و باشو با بیان عقیده خود مبنی بر اینکه همه ما از یک هویت مشترک ایرانی بودن برخورداریم، آن‌ها را به اتحاد و یک کل واحد دعوت می‌کند، در واقع گفتار گوینده در معنای ضمنی جمله کنش ترغیبی را دربرمی‌گیرد که فعل آن دعوت کردن است.

پسر یک: هوی، تو مدرسه رفته‌ای؟ در این گفتار که پرسشی را مطرح می‌کند، در معنای ظاهری آن حاوی کنش ترغیبی است ولی با توجه به بافت موقعیتی به‌خاطر متعجب بودن گوینده در معنای ضمنی کنش عاطفی را دربرمی‌گیرد و از باشو که زبان آن‌ها را نمی‌فهمد انتظار درس خواندن را ندارد.

پسر دو: غلط می‌خوانه.

پسر سه: بهتر از تو خواند که تجدیدی.

پسر یک: پدر و مادرت کجايند؟

پسر دو: ازشان فرار کرده.

پسر دو: مال کجائی؟ مدرسه‌ات چیه؟

در گفت‌وگوی کودکان با باشو کودکان تحت تأثیر بزرگترها باشو را مسخره می‌کنند و کنش‌های گفتاری غالب در صحبت آن‌ها از نوع کنش عاطفی است.

پسر یک: چرا حرف نمی‌زنی باشو؟

پسر دو: به زبان کتاب حرف بزن که بفهمیم.

باشو: نخل‌هایتان کو، کشتی‌هایتان کجاست؟ دکل‌ها کو که از نخل‌ها بلندتر است؟ آفتاب‌تان سر بازی دارد. کسی را نمی‌بینم رباب بزند. خرماپزان میان آن‌ها را شنیده‌اید؟ چرا نامی از شرکتی‌ها نیست؟

کنش گفتاری کودکان در گفت‌وگویی که در بالا ذکر شد، از نوع کنش گفتاری ترغیبی است، آن‌ها با پرسش و توصیه به باشو به حرف زدن به زبان کتاب حالا به تعامل بهتری با او رسیده‌اند و کنش عاطفی که از هیجان و احساس آن‌ها شکل می‌گیرد، در گفتارشان کمتر دیده می‌شود. در صحبت باشو و پرسش‌هایی که مطرح می‌کند، در واقع چه در معنای ظاهری چه معنای ضمنی کنش ترغیبی دریافت می‌شود، او با اشاره به عناصر مکانی خود نخل، دکل نفت، رباب، خرماپزان و ... در واقع با شکایت و اعتراض از سرزمین نابود شده و ویرانگری‌های جنگ سخن می‌گوید.

پسر دو: هوی باشو

باشو: ساکت. بگذار ساقه‌ها رشد کنند.

پسر دو: (به بقیه) چی گفت؟

باشو اعتقاد دارد که با سروصدا و نواختن ساقه‌ها بهتر رشد می‌کنند، او این ارتباط با طبیعت را از نایی آموخته، باشو در واقع نماد همهٔ کودکان این سرزمین است، کودکی معصوم که مورد بی‌مهری قرار گرفته و ساقه‌ها می‌تواند نماد کودکان باشند که نیاز به درک و توجه بیشتری دارند تا بهتر رشد کنند.

پسر یک: های باشو، نایی جان کجایه؟

باشو: از مدرسه می‌آیید، ندیدید؟ رفته اسم مرا بنویسد.

پسر دو: اسم تو را؟ برآش یه خبری داریم.

پسر سه: هوی باشو، دانی شوهر نایی جان برگشته؟

باشو: کی؟

پسر سه: جای جواب نامه خودش آمده!

در گفت‌وگوی بالا کنش‌گفتاری کودکان در معنای ظاهری که پرسشی را مطرح می‌کنند، از نوع کنش‌ترغیبی و در معنای ضمنی از نوع کنش‌اظهاری است. در این نوع کنش‌گویی با اعلان کردن و بیان کردن مطلبی محتوای گزاره‌ای را اعلام می‌کند. گفتهٔ باشو در معنای ظاهری حاوی کنش‌ترغیبی است، ولی با توجه به بافت موقعیتی پاره‌گفتار و متعجب بودن او کنش عاطفی را دربرمی‌گیرد.

بررسی کنش‌های گفتاری زنان در فیلم «باشو غربیه کوچک»

کنش‌های گفتاری زنان در فیلم با توجه به شخصیت‌شان متفاوت است؛ کنش‌های گفتاری نایی بیشتر از نوع ترغیبی (پرسشی و امری)/عاطفی و زنان اهالی روستا از نوع کنش‌گفتاری عاطفی است که به‌عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. نایی (خطاب به باشو): هوی بچه را ترساندی. کی‌ای؟ گبری^۱ یا مسلمانان؟ هوی بجنب، با تو نیستم مگر، رفتی سوراخ موش چه کنی؟ قحط جایه؟ برجه بیرون خیر عزیزانت. چی مالیدی این همه سیای چرکتایی؟ بنال دیگر. لال‌مانی هم که گرفتی. پس چی ونگ می‌کردی زبان بسته؟ نمی‌آیی‌ها؟ نیا صدسال بمان تا بیوسی (بلند می‌شود) یک کاره! کنش‌گفتاری در این پاره‌گفتار در معنای ظاهری ترغیبی و از نوع پرسشی و در معنای ضمنی با توجه به بافت موقعیتی از نوع کنش‌گفتاری عاطفی است و دربردارنده خشم و عصبانیت نایی است.

نایی: حرف بز بفهیمیم چه زبان داری. همچین نایست چهار چشم. نوشین، هوی گل پسر، بیاید آب تن بریزید (= بزینید).

نایی: چی صدات می‌کنن‌ها؟ مادرت، پدرت، خواهرت، برادرت، چی می‌گن؟ چه نامی؟

نایی: بی‌انصاف هذبانم که می‌گه، زبان پشت کوهه، ما نمی‌فهمیم. بیا جان هرکه دوست داری، تو یک‌بار بچه‌های مرا تندرستی دادی.

معنای ظاهری کنش‌اظهاری و معنای ضمنی گفتار درخواست و تقاضای نایی از زن حاوی کنش‌ترغیبی است.

نایی: چه فضولن! هوی پسر ورخیز او سطل را بیار. چه معنی داره تنبلی؟

کنش‌گفتاری در هر دو معنای ظاهری و ضمنی کنش‌ترغیبی است، نایی پس از کنایهٔ اهالی روستا که به او می‌گویند تو کار می‌کنی تا باشو بخورد، تحت تأثیر حرف آن‌ها به سمت باشو می‌رود و به او امر می‌کند که سطل آب را پر کند.

نایی (خطاب به پیرمرد نامه‌نویس): بنویس فعلاً آن‌قدر نگهش می‌دارم تا صاحبش پیدا شود. تا اجازهٔ شما چه باشد.

نایی برای شوهرش که در سفر هست، نامه می‌نویسد او در مورد باشو برای او نوشته است، با وجود اینکه نایی زنی مستقل و

۱. گبری [gabr-il] لهجه زردشتیان ایران و لهجه‌ای از زبان فارسی که بوسیله اردشیر مهربان یزدی گردآوری شده و با یک ترجمه انگلیسی بوسیله ادوارد براون انتشار یافته است (معین، ۱۳۶۰: ۱۶۷۷).

جسور است و با شهامت در مقابل اهالی روستا می‌ایستد، ولی در مقابل همسر خود متغفل و مطیع است، در نتیجه اجازه شوهر در گفتار فوق دربردارنده کنش ترغیبی است.

نایی (خطاب به باشو): چرا خسییدی اینجا؟ مگر تو جان نداری خانه خراب؟ مگر تو خانه نداری؟ ورخیز برو سر جای خواب! در گفتار فوق معنای ظاهری کنش ترغیبی از نوع پرسشی و در معنای ضمنی عصبانیت و خشم نایی و کنش عاطفی را دربردارد. نایی: «برای نوشتن این نامه نزد همسایه نرفتم. این نامه را پسر من می‌نویسد که نامش باشو است. او در همه کارها به ما کمک می‌کند و کمتر از کاری که می‌کند، نان می‌خورد و آن نان را من از لقمه خودم می‌دهم. او مثل همه بچه‌ها فرزند آفتاب و زمین است و کم‌کم از شش حرف سه حرف او را می‌فهمم.»

در گفتار فوق هر دو معنای ظاهری و ضمنی حاوی کنش اظهاری است و نایی سعی دارد تا شوهر خود را که مخالف حضور باشو است را راضی کند. نایی که نامش از ناهید گرفته شده که «رب النوع آب‌های زمینی و آسمانی، فراوانی و نعمت و شکوه زندگی و زاد و ولد و مربی گیاهان و ستوران است.» (لاری و محمودی، ۱۳۸۹: ۵۲) او باشو را فرزند آفتاب و زمین می‌داند و از او همچون فرزندان خود محافظت می‌کند، همچنین در مقابل اهالی روستا از او حمایت می‌کند و با وجود اینکه گاهی باشو را تنبیه می‌کند، باشو با بوسه بر ترکهای که با آن تنبیه می‌شود از زحمات نایی قدردانی می‌کند، نایی وقتی باشو را از آب می‌گیرد، به نوعی دوباره با او ارتباط برقرار می‌کند و این اشاره‌ای به ناهید یا آناهیتا الهه آب و سرزمین ایران دارد، زنی که زبان حیوانات را می‌داند و ارتباط خوبی با طبیعت پیرامونش دارد، اما در مقابل نایی زنان دیگر اهالی روستا رفتار به ظاهر خصومت‌آمیزی با این غریبه کوچک دارند، آن‌ها مانند نایی به او دلسوزی نمی‌کنند و سعی‌شان بر این است تا نایی را از نگهداری باشو منصرف کنند، کنش‌های گفتاری زنان روستا بیشتر از نوع کنش گفتاری ترغیبی است که برخی از گفتارها را به‌عنوان نمونه آورده‌ایم.

زن همسایه: شنیدیم مهمان داری نایی‌جان. هوه این که لولوزا می‌ماند. در این گفتار در معنای ظاهری که فعل توصیف کردن را بیان می‌کند، کنش از نوع اظهاری است، اما در معنای ضمنی کنش عاطفی را دربردارد، چراکه زن باشو را مورد تمسخر قرار می‌دهد.

زن: زبان توی دهانش نیست؟

خواهرشوهر نایی: پارسال مهمان آمد برای ما دستش کج بود. مبادا دست کج باشد.

(اخطار دادن از افعال کنش ترغیبی است.)

زن همسایه: زودتر سرش را بجور مرض نداشته باشد.

(فعل هشدار دادن از افعال کنش ترغیبی است.)

خواهرشوهر: بد کردی نایی‌جان، آخر احتیاطی، صلاح و مصلحتی. بزرگتر سرت نیست ما که بودیم.

(سرزنش و پند و اندرز دادن از افعال کنش ترغیبی به‌شمار می‌آید.)

زن همسایه: علیکم سلام، ها چه خبر، پس مهمانی که می‌گفتند این است؟

زن همسایه ۲: چرا سلام نمی‌کند؟

زن همسایه ۳: آخر ادبی، اطاعتی. هیچ دانی کس و کارش کی‌اند؟ بدقدم نباشد؟

معنای ضمنی این پاره گفتار کنش ترغیبی است و به این مضمون اشاره دارد که کودکان در هر شرایطی باید تحت فرمان بزرگترها باشند.

زن همسایه ۴: خوب کردی نایی‌جان، خدا بخواهد عوض بگیرد. نمی‌شد که ولش کنی زیر آسمان. مگر خودمان سقف روی

سر نداریم؟

خواهرشوهر: مهمان خرج دارد، برارم بی نان رفت آن سر دنیا، تو اینجا نان خور برایش اضافه کردی؟

خواهرشوهر: گوش‌ها را باز کن نابی جان، چرا حرف نمی‌شنوی؟ باز هم می‌گم تا زوده ره‌اش کن بره، خودت را از شرش خلاص کن. بچه را بسپر دست کس دیگر، بده یکی دیگر.

بعد از گم شدن باشو همسایه‌ها بار دیگر در خانه نابی جمع می‌شوند.

خواهرشوهر: صد شکر، هزار شکر، خلاص شدی. چی غصه پسرک نشست‌ای صدقه بده، خنده بز.

زن پیرمرد نامه‌نویس: او شهری ما دهاتی‌ها را قابل نمی‌دانست. خودش زبان نفهم به ما می‌گفت زبان نفهم.

خواهرشوهر: تقصیر توعه نفتی دنبالش. او که کسی را نداره. شاید جائی دچار شده باشه خاله‌زا. امانت مردم را دادی باد هوا؟ وجود افعال پرسشی، توصیه کردن، نصیحت کردن و سرزنش کردن حاکی از کنش ترغیبی در گفتار است. و درصد بالای کنش ترغیبی در صحبت‌های زنان روستایی با گفتن این گفتارها به ظاهر دلسوزانه سعی دارند نابی را ترغیب به انجام عملی کنند. یکی از آن‌ها به او توصیه می‌کند باشو را به کس دیگری بسپارد و دیگری از او می‌خواهد که بخندد و باشو را فراموش کند و ... و زنان با بیان این نوع کنش در پی تحریک و ترغیب نابی هستند تا به هدفشان که نبودن باشو است، برسند.

بررسی کنش‌های گفتاری مردان در فیلم «باشو غریبه کوچک»

درصد بالای کنش گفتاری مردان در فیلم باشو بیشتر کنش‌های عاطفی و درصد کمی هم کنش ترغیبی است، وجود افعال کنشی نظیر عصبانی شدن، مسخره کردن، هجو کردن، تمجید کردن، تعجب کردن، تهدید کردن، تشکر کردن و ... در پاره گفتارهای زیر نشانگر این مطلب است و افعال گفتاری چون اخطار دادن، بازخواست کردن، تقاضا کردن، توصیه کردن، اطاعت کردن، دستور دادن، دعوت کردن، شرط گذاشتن، سوال کردن، معذرت خواهی کردن، نصیحت کردن، هشدار دادن، تشویق کردن و ... در بافت زبانی زیر بیانگر کنش ترغیبی است. به بیان دیگر در نمونه کنش‌های ترغیبی مردان پاره گفتار با افعال پرسشی، هشدار دادن و توصیه کردن همراه است.

راننده: بهش می‌گن اجل، سگ مصب نپرسیده می‌آد. از مژه بهم نزدیک‌تر بود.

در این گفتار کنش صوری کنش اظهاری هست، چراکه گوینده در حال گزارش دادن و بیان کردن مطلبی است، اما با توجه به بافت موقعیتی فعل واقعی پاره گفتار هشدار دادن و کنش آن ترغیبی است.

مسافر: می‌ترسی دنبالت بیاد؟

کنش ظاهری این پاره گفتار از نوع پرسشی است، اما در معنای ضمنی از نوع کنش عاطفی است، در واقع مسافر با راننده شوخی می‌کند.

راننده: هنوز حیرتم که چرا زنده‌ام.

کنش صوری و ضمنی پاره گفتار کنش عاطفی است و فعل آن تعجب کردن است.

دکه‌دار: بیاد خونه خرابیم.

گوینده در معنای صوری مطلبی را اظهار می‌کند، اما در معنای ضمنی با توجه به فضای جنگی حاکم و پرتاپ موشک و خمپاره از فعل کنشی هشدار دادن و کنش ترغیبی بهره می‌برد.

مرد بقال: بیا نگاه کن، نیم‌وجبی را دیدی انگار لامپای دود زده را دیدی. اسمش را چه می‌خوانی؟

فعل ظاهری از نوع توصیف کردن و کنش اظهاری و در معنای ضمنی از نوع کنش عاطفی است و با فعل مسخره کردن همراه است.

مرد میانسال: اگر بلانی دنبال سرش بر سرچی؟ اگر آفت بزند چی؟ (کنش ترغیبی از نوع هشدار دادن)

مرد بقال: اگر بلانی سرش آمد صدتا صاحب پیدا می‌کند. نمی‌دانی جواب کدام را بدهی. (کنش ترغیبی از نوع هشدار دادن)

مرد بقال: از شرش خلاص شو نایی جان، زخم از پا و کمر افتاده. مزرعه مانده بفرستش که بگذارم سر زمین قرضش بده به من. (کنش ترغیبی از نوع درخواست کردن)

مرد بقال: چوب خطت پره نایی جان. جای آن نیمروز را بگذاری پول درآورد قرضت را بدهی یا نان خور اضافه کنی؟ (کنش ترغیبی که با فعل پیشنهاد دادن همراه است.)

مرد بقال: ها، خوبه، حالا فهمیدم. پس این پسر بیچاره را آورده‌ای ازش کار بکشی؟ طفلک مهمان آمده یا به اسیری؟ (کنش عاطفی و با فعل هجو کردن و مسخره کردن همراه است.)

مرد بقال: این دفعه چشمم بیفتد حسابش را با اصل و فرعی می‌رسم.

ویژگی‌های نظام مردسالارانه معمولاً در غالب کنش‌های گفتاری عاطفی و بیان افعالی نظیر تهدید کردن، عصبانیت و سلطه‌جویی همراه است.

مرد بقال (خطاب به نایی): نسبه می‌بری حرف هم داری؟ (کنش عاطفی با ابراز عصبانیت همراه است.)

مرد بقال: کی می‌گه او؟ من می‌دانم و او. (گوینده با ابراز عصبانیت کنش عاطفی را انجام می‌دهد.)

[صحبت‌های باشو با شوهر نایی]

پدر: خدایوت [می‌نشیند] آب خوردن داری؟

پدر: چرا اینطور نگاه می‌کنی؟

پدر: کی بود رباب می‌زد؟

پدر: دست‌هاش [لبخند می‌زند و بلند می‌شود] من هم اونجا بودم که رباب می‌زن.

پدر: کار فقط اونجا بود.

باشو: این مرد کیه؟

پدر: پدر

باشو: تا به حال کجا بودی؟

پدر: پی تو می‌گشتم.

باشو: دست بده.

پدر: [لبخند می‌زند]

باشو در پاسخ شوهر نایی (پدر) که می‌پرسد: چرا اینطور نگاه می‌کنی؟ پاسخ می‌دهد: دیدم غریبی و پاسخ او که در معنای صوری با کنش اظهاری همراه است، درواقع با اظهار همدردی کنش عاطفی باشو را دربردارد. پدر می‌پرسد: کی رباب می‌زد و در ادامه می‌گوید: من هم اونجا بودم و با بیان کنش اظهاری عنوان می‌کند که او هم در همان منطقه‌ای که باشو زندگی می‌کرده حضور داشته است و پدر اشاره می‌کند به دست‌های مترسکی که باشو ساخته و به نوعی یادآور دست نداشتن پدر است. باشو در غیاب پدر نقش پدر خانواده را ایفا می‌کند و به نایی در انجام امور خانه کمک می‌کند، باشو همانند کودکان هم‌سن و سال خود کمتر بازی می‌کند و کمتر دنیای کودکی را تجربه می‌کند او در غیاب شوهر نایی خود را مسئول می‌داند و زمانی که شوهر نایی باز می‌گردد، با داشتن چوبی در دست به سمت او حمله‌ور می‌شود و از نایی می‌پرسد این مرد کیه و (خطاب به پدر که تا به حال کجا بودی) از خود غیرت مردانه نشان می‌دهد، براساس آرای گرت کودکان در سنین کم نقش جنسیتی را می‌آموزد، یعنی مجموعه انتظاراتی درباره رفتارهای که برای افراد دارای آن جنسیت مناسب تلقی می‌شود. این انتظارات بسته به نحوه تعریف «مردانگی» و «زنانگی» فرق دارد. (گرت، ۱۳۹۶: ۵۳) در پی رفتار باشو، پدر لبخند رضایتمندی می‌زند، او که در جنگ دستش را از دست داده با دیدن باشو او را دست راست خود می‌بیند. در پی اختلافات زبانی و فرهنگی در نهایت خانواده نایی و باشو متحد به سمت گرازهایی که به زمین آن‌ها حمله کرده

می‌روند تا دشمنان طبیعت و آبادانی را از آنجا دور کنند. در ادامه باید خاطر نشان کرد از تبیین‌های ارائه شده چنین دریافت می‌شود که کنش‌های گفتاری اعلامی و تعهدی در گفتار شخصیت‌ها استنباط نمی‌شود و اساساً باید گفت عدم کنش‌های اعلامی و تعهدی کاملاً متناسب با فضای حاکم بر روایت است. مسئله‌ای که در این فیلم وجود دارد، نداشتن تعهد و مسئولیت‌پذیری اهالی روستا در قبال این غریبه است، همچنین عدم استفاده از کنش‌های اعلامی در این فیلم نشان از عدم جایگاه قدرت در میان اهالی روستا است، در واقع آنان از نظر طبقه اجتماعی، میزان تحصیلات، قدرت و ... بر یکدیگر برتری ندارند و از جهتی این نوع کنش‌ها در شرایط بافتی خاصی به کار می‌رود و کاربرد آن‌ها موقعیت خاصی را اقتضا می‌کند. مثلاً از کنش‌های اعلامی بیشتر در موقعیت‌های رسمی مانند جلسه دادگاه استفاده می‌شود. (فضائل و نگارش، ۱۳۹۰: ۱۱۲) در واقع این بافت پاره گفتار است که مشخص می‌کند، کنش گفتاری چه مفاهیم ضمنی را دربرمی‌گیرد و این عنصری از مباحث جدی مورد بررسی در مطالعات تحلیل گفتمان است. (نجاریان خلیل‌آباد، ۱۳۹۵: ۱) تحلیل گفتمان نوعی یافتن ارتباط میان زبان و رفتار اجتماعی است. (جلالی و صادقی، ۱۳۹۵: ۹۹) و به عقیده فاولر این سطح گفتمان روایت شامل گفت‌وگوهای شخصیت‌ها، دیدگاه روایت، جهان‌بینی روایت‌گر و نویسنده، لحن روایت، رابطه شخصیت‌ها با روایت‌گر و نویسنده فرضی و جز آن می‌شود. (فاولر، ۱۳۹۶: ۱۹) و به این ترتیب براساس استخراج کنش‌های گفتاری گزاره‌ها، رابطه بین شخصیت‌ها و مفاهیم ضمنی اثر مورد بررسی قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

زبان به‌عنوان مهم‌ترین عامل ارتباطی بشر همواره مورد توجه متفکران رشته‌های مختلف قرار گرفته است. یکی از مباحث مهم کاربردشناسی زبان نظریه کنش‌های گفتاری است که هدف آن تحلیل روابط بین پاره گفتارها و مفاهیم ضمنی آن‌هاست. با بررسی کنش‌های گفتاری در فیلم *باشو غریبه کوچک* به‌عنوان اثری که به زبان به‌عنوان یک ابزار فرهنگی مهم پرداخته و سرشار از کنش‌های گفتاری از نوع غیرمستقیم و ضمنی است، انواع کنش‌های گفتاری از منظر آرای سرل که به پنج گروه کنش تعهدی، عاطفی، ترغیبی، اعلامی و اظهاری تقسیم می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. از میان این کنش‌های گفتاری تنها کنش‌های گفتاری ترغیبی، عاطفی و اظهاری به‌کار برده شده و کنش‌های تعهدی و اعلامی در گفتار شخصیت‌های فیلم *باشو غریبه کوچک* جایگاهی ندارد، کنش‌های گفتاری کودکان در آغاز ورود *باشو* بیشتر از نوع عاطفی است، در واقع کودکان ابتدا تحت سیطره اعمال و افکار بزرگترها هستند. *باشو* را به‌عنوان دیگری فرهنگی نمی‌توانند، بپذیرند. کنش گفتاری آن‌ها با فعل مسخره کردن همراه است ولی به مرور با شناخت *باشو* افعال کنشی ترغیبی را به‌کار می‌برند، افعالی نظیر توصیه کردن و تشویق کردن، در واقع آن‌ها زودتر از بزرگترها با *باشو* ارتباط برقرار می‌کنند. بیشترین کنش گفتاری زنان کنش‌های ترغیبی و درصد کمی کنش‌های عاطفی است. کاربرد بسیار کنش‌های گفتاری ترغیبی زنان می‌تواند به این دلیل باشد که زنان اهالی روستا در فیلم برخلاف مردان در کلام‌شان پند و اندرز، نصیحت، توصیه و کنش‌های امری و پرسشی وجود دارد. و در تقابل با آن‌ها کنش گفتاری مردان بیشتر از نوع کنش عاطفی است، گفتار مردان به‌صورت خشوت‌های کلامی شامل افعال عصبانی شدن، مسخره کردن، هجو کردن و اهانت کردن است و بیشترین نوع کنش عاطفی در کلام شخصیت مرد بقال و صحبتش با نایی شکل می‌گیرد که نشان از سلطه مردانه در سطوح جامعه دارد، اما نایی به‌عنوان زنی مستقل و شجاع در مقابل او می‌ایستد. عدم کاربرد کنش‌های تعهدی در گفتار شخصیت‌ها بیانگر این است که اهالی روستا در مقابل *باشو* تعهد و مسئولیتی ندارند آن‌ها *باشو* را به‌عنوان یک بیگانه نمی‌پذیرند و حتی در برابر حضور او جبهه می‌گیرند رنگ پوست و زبان متفاوت او برای آن‌ها قابل درک نیست و حتی او را به بچه جن و ... تشبیه می‌کنند. از طرفی کنش‌های اعلامی نیز که در موقعیت و بافت متفاوتی به‌کار می‌رود و معمولاً در موقعیت‌های رسمی و جایگاه‌های قدرت نظیر دادگاه، کلیسا و ... به‌کار می‌رود، در این پاره گفتارها مورد استفاده قرار نگرفته است.

منابع

- امینی لاری، لیلا و محمودی، خیرالله. (۱۳۸۹). «ناهید» مظهر قدس است یا هوس؟». پژوهش‌های زنان و ادبیات فارسی. ش ۳. صص ۶۴-۵۱.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۷۸). *مقدمات زبان‌شناسی*. تهران: نشر قطره.
- جلالی، مریم و صادقی، معصومه. (۱۳۹۵). «کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه». *جامعه‌شناسی تاریخی*. ش ۱. از ۱۰۵-۸۲.
- سرل، جان آر. (۱۳۸۷). *افعال گفتاری*. ترجمه محمدعلی عبدالهی. تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- صرفی، فریده؛ قطبی، ثریا و داوودی مقدم، فریده. (۱۳۹۶). «تحلیل کنش‌های گفتاری در خطبه غدیر براساس نظریه آستین و سرل». *فلسفه و کلام: امامت‌پژوهی*. ش ۲۲. صص ۱۰۵-۱۴۲.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معنی‌شناسی*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
- عبدی، محمد. (۱۳۹۸). *غریبه بزرگ*. تهران: نشر ثالث.
- عباسیان چالستری، محمدعلی. (۱۳۸۴). «نظریه افعال گفتاری و برخی پیامدهای مهم آن». مقالات و بررسی‌ها. ش ۸۶. صص ۱۶۹-۲۰۰.
- فاوولر، راجر. (۱۳۹۶). *زبان‌شناسی و رمان*. ترجمه محمد غفاری. تهران: نی.
- فضائی، مریم و نگارش، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری». *علوم قرآن و حدیث*. ش ۸۶. صص ۸۱-۱۱۸.
- کاظمی، فروغ و جمشیدی، سپیده. (۱۳۹۵). *نظریه کنش‌های گفتاری در فارسی و انگلیسی*. تهران: نشر داستان.
- گرت، استفانی. (۱۳۹۶). *جامعه‌شناسی جنسیت*. ترجمه کتابیون ریاحی. تهران: نشر دیگر.
- مسلمی‌زاده، رضا. (۱۳۹۵). «کنش نمایشی در دیالوگ با بررسی تطبیقی در آثار بهرام بیضایی و علیرضا نادری». *کارشناسی‌ارشد رشته ادبیات نمایشی*. دانشگاه هنر تهران.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.
- مگی، برایان. (۱۳۸۸). *داستان فلسفه*. ترجمه مانی صالحی‌علامه. تهران: کتاب‌آمه.
- نجاریان خلیل‌آباد، حمیده. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی کنش‌های گفتاری شخصیت‌ها براساس نظریه سرل در ۵ داستان فریدون عموزاده خلیلی و یعقوب الشارونی». *کارشناسی‌ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه فردوسی مشهد.